

Investigating the translation and structural equivalent of Fasl pronoun (Independent pronoun) in the translations of the Holy Quran, Case study of Saffarzadeh and Meshkini translations

Ahmad Mohammadi nejad pashaki ¹, Najme Mahyayi ^{2*}

1 Department of Basic Sciences, Faculty of Science, Imam Khamenei University, Zibakenar, Rasht, Iran

2 Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Lorestan University

*Corresponding author: mahyayi.92@gmail.com

DOI: [10.22034/jltll.v3i2.61](https://doi.org/10.22034/jltll.v3i2.61)

Received: 18 Apr, 2020

Revised: 22 Jul, 2020

Accepted: 17 Aug, 2020

ABSTRACT

Meaning consists of a combination of different elements, which, according to the purpose of the word, is accompanied by syntactic combinations and methods of its union. The relationship between the choice of words and the juxtaposition of the components of speech to convey meaning is in accordance with the appropriate linguistic structure. Translating concepts from any language into another language is possible through translation. One of the basic necessities for providing a faithful and desirable translation is to create and establish a "balance" between these linguistic structures. One of the cases of creating balance in linguistic structures is establishing balance in syntactic and rhetorical constructions, some of which are syntactic and rhetorical components. The pronoun of the chapter is known as one of the linguistic methods in translation which, in different situations, assumes the same meaning and its meaning changes in parallel with the context in which it is placed. The Fasl pronoun (Independent pronoun) has an effective role in conceptualization due to the semantic breadth and spiritual development that it gives to the word. Therefore, the view is that this study intends to re-read the translation of the Fasl pronoun (Independent pronoun), in Saffarzadeh and Meshkini's translations, with a semantic and equivalent quantitative method in order to examine the position of the pronoun of the chapter in their translation. In this research, it is found that two translators have not followed a fixed method in their translations, sometimes they have resorted to the dictionary translation of the pronoun of the chapter, and sometimes they have mentioned an equivalent for it that does not convey the meaning of the pronoun and sometimes they have neglected its translation.

Key words: Quran translation, Translation balance, Fasl pronoun (Independent pronoun), Meshkini, Saffarzadeh.

بررسی ترجمه و معادل ساختاری ضمیر فصل در ترجمه‌های قرآن کریم (مطالعه موردی ترجمه‌های صفارزاده و مشکینی)

احمد محمدی نژاد پاشاکی¹، نجمه محیایی^{2*}

1. گروه علوم پایه، دانشکده علوم، دانشگاه امام خمینه‌ای، زیباکنار، رشت، ایران

2. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب لرستان

*نویسنده مسئول مقاله Email: mahyayi.92@gmail.com

DOI: [10.22034/jltl.v3i2.61](https://doi.org/10.22034/jltl.v3i2.61)

پذیرش: 99/05/27

اصلاح: 99/05/01

دریافت: 99/01/30

چکیده

انتقال مفاهیم از هر زبانی به زبان دیگر، از راه ترجمه میسر می‌شود. قرآن کریم در اعجاز و بیان اسلوبی بی نظیر دارد، بنابراین در ترجمه‌ی آیات و انتخاب کلمات معادل باید دقت کافی صورت گیرد تا زیبایی‌های آن مشخص گردد. ضمیر فصل، یکی از اسلوب‌های زیبایی شناسی در ترجمه شناخته می‌شود که، در شرایط مختلف، معنای یکسانی به خود می‌گیرد و به موازات سیاقی که در آن قرار می‌گیرد، معنای آن نیز تغییر می‌کند. ضمیر فصل به خاطر وسعت معنایی و تثبیت معنوی که به کلام می‌بخشد، نقش موثری در مفهوم‌سازی داراست. بنابراین دیدگاه، این جستار بر آن است ترجمه ضمیر فصل را، در ترجمه‌های صفارزاده و مشکینی، با نگاه معنا شناسی و معادل یابی با روش کمی کیفی مورد بازخوانی قرار دهد تا بتواند جایگاه ضمیر فصل در ترجمه آن دو را، مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش مشخص می‌شود که دو مترجم یک شیوه ثابت در ترجمه‌های خود، دنبال نکرده‌اند گاه به ترجمه قاموسی ضمیر فصل، روی آورده‌اند، و گاه معادلی برای آن ذکر کرده‌اند که مفهوم ضمیر را نمی‌رساند و گاه ترجمه آن را مورد غفلت قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه، ضمیر فصل، مشکینی، صفارزاده

مقدمه

معنا متشکل از هم نشینی عناصر مختلفی است که، مطابق با غرض کلام با ترکیب‌های نحوی و طریقه‌های ائتلاف آن، همراه می‌شود. ارتباط بین گزینش واژگان و هم نشینی اجزاء کلام برای رساندن معنا، مطابق با ساختار مناسب زبانی صورت می‌پذیرد (الجرجانی، 1992: 81) یوجین نایدا، زبان شناس برجسته و معروف در تعریف ترجمه می‌گوید: ترجمه عبارت است از بازآفرینی نزدیکترین معادل طبیعی پیام زبان مبدا در زبان مقصد، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک (نایدا، 1982: 12) کت ورد، نیز معتقد است که ترجمه کنشی طبانی است که در فرآیند آن، مواد متنی در یک زبان (زبان مبدا)، جای خود را به مواد متنی معادل در زبان دیگر (زبان مقصد) می‌دهد. (ر.ک: فورد، 1965: 1) و یکی از ضرورت‌های اساسی برای ارائه ترجمه ای وفادار و مطلوب، ایجاد و برقراری «تبادل» میان این ساختارهای زبانی است. از موارد ایجاد تبادل در ساختارهای زبانی، برقراری تعادل در ساخت‌های نحوی و بلاغی است که بخشی از این ساخت‌ها را اجزاء، عناصر نحوی و بلاغی تشکیل می‌دهد. زبان‌های مختلف، در ساخت‌های نحوی و بلاغی دارای اشتراکات و تفاوت‌هایی هستند. از اینرو اهمیت ترجمه و تحلیل تطبیقی آن، درباره ساخت‌های متفاوت زبان‌ها ظهور می‌یابد. تفاوت ساختاری در نقش یا حالات نحوی و بلاغی میان زبان عربی و فارسی را غالباً در حالات نحوی زیر می‌توان دید: ضمیر فصل، تمیز، حال، تاکید. ضمیر فصل، در همنشینی زبانی، به موازات سیاقی که در آن قرار می‌گیرد، معنایش متغیر می‌شود و همچنین به خاطر وسعت معنایی و تثبیت معنوی که به کلام می‌بخشد، نقش موثری در مفهوم‌سازی داراست.

این جستار با نگاه ساختاری و معنایی ترجمه ضمیر فصل را، با روشی کمی و کیفی، در ترجمه‌های مذکور، مورد بازخوانی قرار داده‌است تا نقاط قوت و احیاناً، نقاط ضعف معادل ساختاری ضمیر فصل در این ترجمه‌ها را بیان کند.

سوالات پژوهش

1. آیا مترجمان از یک روش واحد برای ترجمه متن استفاده کرده‌اند؟
2. تفاوت شیوه‌ی ترجمه‌ی قرآن در ترجمه‌های آقایان صفارزاده و مشکینی در چیست؟

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه‌ی این موضوع، مقاله‌ای در خصوص ترجمه آیه الله مشکینی یافت نشد ولی در ذیل به مقالاتی که در ترجمه صفارزاده کار شده می‌توان اشاره کرد:

- ترجمه ارتباطی از قرآن کریم: ترجمه طاهره صفارزاده، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره 3، بهار و تابستان 1394.
- بررسی ترجمه‌ی آیات متشابه لفظی در هفت ترجمه فارسی قرآن کریم: مرتضی عرب، رضا فرشچیان، دوفصلنامه پژوهش نامه قرآن و حدیث علمی - پژوهشی، شماره 11، پاییز و زمستان 1391.
- آسیب شناسی زبان شناختی ترجمه‌های قرآن (بررسی موردی ترجمه‌های سوره واقعه): خلیل پروینی، فاطمه اکبری زاده، نشریه پژوهش دینی، شماره 26، بهار و تابستان 1392.
- نقد ساختار ترجمه حداد عادل و صفارزاده بررسی موردی ضمیر فصل: سید محمدرضا مصطفوی نیا، دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، شماره 1، بهار و تابستان 1393.
- مقایسه سه ترجمه انگلیسی قرآن «شاکر، آربری، صفارزاده» از سوره اعراف (مطالعه موردی 15 آیه): مرتضی خرمی، سیده ام البنین تائبی، نشریه پژوهش دینی، بهار و تابستان 1392.

ترجمه

ترجمه از نظر لغوی: عبارت است از تغییر یک حالت یا شکل به حالت یا شکل دیگر، برای برگرداندن آن به زبان خود یا دیگری. ترجمه از نظر اصطلاحی: عبارت است از برگرداندن نوشته یا گفته‌ای از زبانی (مبدأ) به زبان دیگر (مقصد) با هدف انتقال معنا. این کار با تغییر زبان مبدأ به شکل زبان مقصد و از طریق ساختار معنایی انجام می‌شود. آنچه منتقل می‌شود و باید بماند، معناست و در واقع تنها شکل تغییر می‌کند. (کت فورد، 1370، ص 86).

به طور کلی سه روش ترجمه برای قرآن کریم ارائه شده است:

الف - ترجمه تحت اللفظی: ترجمه‌ای است که بیشترین مقدار از خصوصیت‌های قالبی و محتوایی متن را نشان می‌دهد. چنین ترجمه‌ای بسیاری از خصوصیت‌های صوری متن مبدأ همچون (1) واحدی دستوری، (2) هم‌نواختی در کاربرد کلمات، (3) معنا با توجه به بافت متن مبدأ را نمایش می‌دهد.

ب- ترجمه معنایی: هدف اساسی در این روش ترجمه، انتقال دادن معنا، محتوا و پیام متن مبدأ و روان بودن آن است.

ج- ترجمه تفسیری و آزاد: ترجمه ای است غیر وابسته که در انتخاب معادل هیچ گونه محدودیتی ندارد. (نایدا، 1982، ص 322).

ضمیر فصل

ضمیر فصل یکی از ضمائری است که به عربی تعلق دارد. در نحو به شروط این ضمیر، مواضع ظهورش، محل آن در اعراب، اسمیه یا حرفیه بودن آن، و همچنین فوائد و اغراض آن اشاره شده است. در علم معانی نیز به فوائد و اغراض بلاغی آن می‌پردازند. این ضمیر را در بین بصریان، ضمیر فصل می‌نامند (سیبویه، الکتب، ج 1/ص 399. والأنباری، أبو البرکات عبد الرحمن بن محمد، بی‌تا، ج 2/ص 706. والمالقی، 2002، ص 207)

در بین کوفیان به ضمیر عماد یا دعامة می‌خوانند. (الاسترابادی، ج 2/ص 455. وکاظم، 1998، ص 190). به این دلیل عماد می‌خوانند زیرا معنای کلام تکیه بر این ضمیر دارد. (رک: حمدان، 1422: 177-178؛ الأنباری، 1403: 6-7؛ عتیق، بی‌تا، 52). به این دلیل دعامة می‌خوانند زیرا کلام به واسطه آن تقویت می‌شود دلیل این نامگذاری‌ها، فوایدی است که از این ضمیر ظهور می‌یابد.

شرایط ضمیر فصل

نحویان در برخی از شروط این ضمیر اتفاق نظر، و در برخی دیگر اختلاف نظر دارند. برخی از این شروط، به خود ضمیر بر می‌گردد و برخی از آن به قبل و بعد این ضمیر در کلام مربوط می‌شود.

شرایط خود ضمیر فصل:

- 1- باید ضمیر مرفوع باشد.
- 2- ضمیر فصل باید با ماقبل خود از نظر، تکلم، خطاب، غیبت، تعداد و جنسیت مطابقت کند. مانند: «وکنا نحن الوارثین» (قصص: 58)

شرایط ماقبل ضمیر فصل:

1- ما قبل ضمیر فصل باید مبتدا و یا اینکه در اصل مبتدا باشد مانند: «فأله هو الولی» (شوری: 9) نوع دوم مانند: «انه هو السميع البصیر» (اسراء: 1) که اسم حروف مشبیه در اصل مبتدا است که ضمیر فصل، بایستی با ماقبل خود(چه مبتدا و چه اسم منسوخ) مطابقت کند.

2- ما قبل ضمیر باید معرفه باشد.

و اما دو شرطی که در ما بعد ضمیر فصل لحاظ شده عبارتند از:

1- ما بعد ضمیر فصل خبر یا در اصل خبر برای مبتدا باشد.

2- 2- ما بعد ضمیر فصل معرفه و یا در اصل همانند معرفه باشد.

جناب «سهیلی» جواز عنوان نمودن ضمیر فصل با فعل ماضی را مطرح ساخته (ابن هشام، 2005: 645)؛ با استناد به آیه شریفه: «وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا» (نجم، 43 و 44)، گفته است: «ه» در «أنه» اسم آن و «هو» ضمیر فصل و بعد از ضمیر فصل، فعل ماضی «أضحك» و «أمات» قرار گرفته است.

فواید ضمیر فصل

در کتب های نحوی و بلاغی و تفسیری و... برای ضمیر فصل، دو فایده لفظی و معنوی در نظر گرفته اند.

1- فایده لفظی

ضمیر رفع برای رفع توهم صفت بودن کلمه بعد از آن به کار می رود، و نشان می دهد آنچه در جمله قبل از ضمیر آمده است موصوف نیست، به طور مثال در (علی هو الکاتب) اگر ضمیر (هو) نیامده باشد احتمال می دهند که (الکاتب) صفت (علی) باشد و حال آنکه جایز نیست میان تابع و متبوع فاصله باشد پس در نتیجه سامع به این نتیجه می رسد که (الکاتب) خبر برای علی است. (حسن عباسی، 2024: 113)

(222:1426)

2- فایده معنوی

برای ضمیر فصل دو فایده معنوی در نظر گرفته می شود:

الف - تاکید: علمای نحو ضمیر فصل را مفید تاکید می دانند و معتقدند که ضمیر فصل، تقویت کننده مبتدا است. (ابن یعیش، جلد 2/331)

ب- حصر و اختصاص: ضمیر فصل برای حصر و اختصاص دادن مابعد ضمیر در ماقبل آن به کار می‌رود. (ابن هشام، 2005: 644)

تحلیل و ارزیابی ترجمه‌ها

نظر به اهمیت ضمیر فصل و جایگاه آن در انتقال معنی، بعد از باز تعریفی که از ضمیر فصل و شرایط آن در کلام شد، این بخش در پی نقد و بررسی جنبه‌ی معنا شناسی «ضمیر فصل» در ترجمه مشکینی و صفارزاده از قرآن کریم است. در آیات ذیل ضمن اشاره به این موارد ترجمه پیشنهادی ارائه می‌گردد.

1. «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ...» (بقره:

120)

مشکینی: ... بگو: به یقین تنها هدایت خداوند هدایت (واقعی) است

صفارزاده: ... [ای پیامبر!] به آنان بگو: «هدایت واقعی، هدایتی است که خداوند اراده فرماید».

در این جمله بطریق قصر قلب صحت انحصار - غیر از هدایت خدا هدایتی نیست - را افاده کرده‌اند، بر

طبق این بیان ضمیر فصل «هو» مفید حصر و تاکید است. (طبرسی، 1377، ج 1: 75؛ طباطبایی، 1417، ج

1: 265؛ حسینی همدانی، 1391، ج 1: 315؛ ابن عاشور، ج 1: 676)

در ترجمه مشکینی و صفارزاده از قید تاکید «واقعی» بهره گرفته که البته به نظر نگارنده نمی‌تواند معادل

درستی برای ترجمه ضمیر فصل باشد و اشکالات زیر بر آن مترتب است: 1. استفاده از واژه عربی

(واقعی) 2. خواننده، واژه واقعی را صفت برای هدایت می‌داند در صورتیکه ضمیر فصل تاکید را می‌رساند و در

این انتخاب، در معنا نارسایی بوجود آورده و از سوی دیگر به قواعد عربی توجه دقیقی نداشته‌اند و همچنین

صفارزاده در ترجمه خویش مطالب اضافی درج نموده است.

مرحوم صفارزاده آیه 71 سوره مبارکه انعام را نیز مانند آیه 120 بقره ترجمه نموده است که اشکالات

بالا بر آن وارد است.

ترجمه پیشنهادی: «بگو: همانا تنها هدایت، هدایت پروردگار است»

2. «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: 62)

مشکینی: بی‌تردید همین است داستان حق.... و البته خداست که مقتدر حکیم است

صفارزاده: این سرگذشت، حقیقتی است [درباره‌ی خلقت مسیح] و جز الله هیچ خدایی وجود ندارد و همانا خداوند آن بی‌همتا قدرتمند منشأ حکمت است.

در این آیه با آوردن ضمیر فصل «هو» به شیوه قصر قلب آن داستان را حق بر شمرده و لام تأکید برای تقویت بر سر آن در آمده است. و در جمله انتهایی با ذکر نمودن ضمیر فصل عزت و حکمت را منحصر و مخصوص خداوند بی‌همتا می‌داند، با این بیان ضمیر فصل در این آیه برای حصر و تأکید است. (ابن عاشور، ج 3: 115؛ دعاس حمیدان، 1425، ج 1: 140؛ طباطبایی، 1417، ج 3: 327؛ آلوسی، 1415، ج 2: 183) همان گونه که ملاحظه می‌شود ضمیر فصل دو بار در این آیه به کار رفته است و در هر دو بار افاده حصر و تأکید می‌کند. مشکینی بار اول ضمیر فصل را با «همین» به درستی ترجمه کرده و در قسمت دوم آیه «البتة که» ترجمه کرده است. صفارزاده در بخش اول آیه ضمیر فصل ترجمه نکرده و در بخش دوم با عبارت «آن بی‌همتا» حصر و تأکید مستفاد از ضمیر فصل را به زبان ترجمه منتقل کرده است. بنا بر این اشکالات ترجمه عبارت است: 1. غفلت از تأکیدات دیگر آیه 2. درج مطالب اضافی مانند: بی‌همتا و منشأ 3. چشم پوشی از ترجمه «القصص الحق»

ترجمه پیشنهادی: «همانا این سرگذشت، بی‌تردید سرگذشت راستینی است..... و همانا خداوند البته که او همان قدرتمند حکیم است.»

3. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ...» (آل عمران: 180)

مشکینی: گمان نکنند که آن بخل به خیر آنهاست

صفارزاده: گمان نکنند که در این بخل ورزیدن خیری برای آنهاست.

«هو» در جمله «هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ» بین دو مفعول فعل قلبی «يَحْسَبَنَّ» قرار گرفته، که یکی از جایگاه‌های قرار گرفتن این ضمیر بین دو مفعول افعال باب «ظن» است. ضمیر فصل در این آیه مفید تأکید است. (شریف لاهیجی، 1373، ج 1: 411؛ مغنیه، 1424، ج 2: 216)

چنانچه ملاحظه می‌شود مشکینی با عبارت «که آن» و مرحوم صفارزاده از تعبیر «که در این» در ترجمه ضمیر فصل استفاده کرده است. به نظر می‌رسد مترجم از ضمیر فصل غافل بوده و حتی به اشتباه از عبارت: «که این» بهره برده‌اند در حالیکه مراد آیه ظرفیت بخل ورزیدن نیست بلکه نفس بخل است.

ترجمه پیشنهادی: «...گمان نکنند که این بخل، یقیناً برای آنها خیر است»

4. «... وَ إِن كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ» (انعام: 119)

مشکینی: بی تردید بسیاری (از مردم) با هواهای (نفسانی) خود از روی نادانی (دیگران را) گمراه می‌کنند (می‌گویند: چطور اگر شما بکشید حلال است و اگر خدا بکشد حرام است؟!؛) مسلماً پروردگار تو به (حال) تجاوزکاران (از حق) داناتر است.

صفارزاده: و عده‌ی زیادی از مردم مشرک، دیگران را از روی هوی و هوس و از سر جهل [از راه راست] منحرف می‌سازند. همانا آفریدگار پروردگار تو تجاوزگران [از حدود الهی] را کاملاً می‌شناسد. آیه (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ) «هو» ضمیر فصل است که میان اسم «إِنَّ» و خبر آن واقع شد و این امر جایز است اگر چه میان دو اسم معرف نیامده است چون افعال تفضیل اعلم از معرفه‌هایی است که «ال» نمی‌پذیرد، (حسن، 1383، ج 1: 223) در ترجمه‌های در دست بررسی مشکینی ترجمه ضمیر فصل را نادیده گرفته و صفارزاده با استفاده از قید «کاملاً» ضمیر فصل را ترجمه نموده است.

به نظر نگارنده استفاده از قید «کاملاً» به هیچ وجه حصریت موجود در آیه را نمی‌رساند بنا براین در این مورد مترجم توانسته ساختار عربی را در زبان مقصد رعایت کند و سبب نارسایی ترجمه شده است. ترجمه پیشنهادی: «همانا تنها پروردگارتو، آگاه به تجاوزگران است»

5. «وَ إِذِ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»

(انفال: 32)

مشکینی: و (یاد کن) هنگامی که (مشرکان منکر قرآن) گفتند: خداوندا، اگر این همان (موعود) حق از جانب توست پس بر ما از آسمان سنگی بیار یا بر ما عذاب دردناک دیگری بیار. صفارزاده: و [ای پیامبر] بیاد آور زمانی که گفتند: «خدایا اگر این قرآن حق است و از جانب تو نازل شده [برای ثبوت حقایق آن] بارانی از سنگ از آسمان بر سر ما [که به آن ایمان نداریم] فرو بیار یا عذاب دردناکی بر قوم ما فرو فرست.»

مراد از «إِنَّ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ» این است دین حقی که از جانب خدا باشد تنها این است، این آیه متضمن معنی حصر است و در خطاب به کسی است که می‌داند دین حقی از جانب خدا هست اما مکر

می‌شود. ضمیر فصل «هُوَ» إفاده حصر و تأکید می‌کند. (شریف لاهیجی، 1373، ج 2، ص 187؛ حقی بروسوی، ج 3، ص 342؛ طباطبایی، 1417، ج 9: ص 67)

صفرزاده با وجود حصر و تأکید مستفاد از مفهوم آیه، به این موضوع توجه نکرده و از این رو انتقاد بر او وارد است زیرا معادلی برای ترجمه ضمیر فصل «هُوَ» ارائه نداده است. ولی مشکینی آوردن کلمه «همان» این کاستی را جبران نموده است.

ترجمه پیشنهادی: «...خدایا اگر این قرآن واقعا برحق، و از جانب تو نازل شده است...»

6. «... وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: 72)

مشکینی: خشنودیی از جانب خداوند (از همه نعمت‌ها) بزرگتر است آن است کامیابی بزرگ. صفرزاده: و [البته] رضایت و خوشنودی خداوند [که نصیبتان خواهد شد] برتر از همه‌ی اینهاست و توفیق برتر همین [وصول به خوشنودی خداوند] است.

در این آیه فوز و رستگاری بزرگی در رضایت خداوند منحصر شده و قصر حقیقی به اعتبار وصف فوز به عظیم. ضمیر فصل دلالت بر معنای حصر دارد. (حسینی همدانی، ج 8، 65؛ ابن عاشور، ج 10، ص 154)

صفرزاده و مشکینی در ترجمه حصر موجود در آیه به ترتیب از معادل‌های «همین» و «آن» استفاده کرده‌اند.

آیه مذکور مشابه آیه 12 سوره حدید است؛ مشکینی در آن آیه با «همان» و صفرزاده ضمیر را ترجمه نکرده است... آنچه تامل برانگیز است در نظر نگرفتن مرجع اسم اشاره است که صفرزاده به اشتباه از آن به «توفیق برتر» تعبیر نموده است. در حالیکه مشارالیه ذلک؛ خشنودی خدا است و نه توفیق برتر!

ترجمه پیشنهادی: «... براستی خشنودی خدا پیروزی بزرگ است»

7. «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه: 104)

مشکینی: آیا ندانسته اند که خداست که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و صدقه‌ها را در واقع او می‌گیرد (هر چند در ظاهر پیامبر یا مستحق می‌گیرد) و خداست که عطف و بسیار توبه پذیر و مهربان است؟!

صفارزاده: آیا آنها نمی‌دانند که این خداوند است که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداوند آن توبه پذیر رحمگستر است؟

بر اساس دیدگاه فراء و جرجانی، جایز است که فعل مضارع بعد از ضمیر فصل بیاید، چون فعل مضارع به اسم شباهت دارد. بار دوم ضمیر بین اسم *إِنَّ* و خبر آن واقع شده است. در این آیه ضمیر فصل مفید حصر و تأکید است، زیرا شأن خداوند است که توبه را می‌پذیرد. (حسینی جرجانی، 1404، ج 1: 291؛ طبرسی، 1377، ج 2: 82)

در این آیه آقای مشکینی ضمیر «که» را در نظر گرفته است. صفارزاده در این آیه هر دو مورد به ضمیر فصل توجه شده و باضمایر اشاره «این و آن» به این تأکید اشاره کرده است. گرچه مترجم به ضمیر فصل عنایتی داشته اما از نقش تأکیدی آن غافل مانده است.

ترجمه پیشنهادی: «...براستی تنها خداست کهوهمانا خداوند تنها توبه پذیر مهربان است.»

8. «... إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یوسف: 100)

مشکینی: هر امر مشکلی را به تدبیر دقیق و نافذ خود آسان کننده است، همانا اوست که دانا و با حکمت است.

صفارزاده: همانا خداوند در تحقق بخشیدن به مشیت و تقدیر خود صاحب دقت است، همانا خداوند آن تقدیرگر دانا به مصلحت امور خلق است.

در این آیه «إِنَّ» حرف مشبیه بالفعل برای تأکید و ضمیر فصل «هو» برای تقویت کلام بین اسم و خبر «إِنَّ» آمده، بنابراین ضمیر افاده تأکید می‌کند. (ابن عاشور، ج 120: 12؛ دعاس حمیدان، 1425، ج 2: 106) صفارزاده ضمیر فصل را ترجمه کرده ولی مشکینی با قید «که» ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «همانا خداوند تنها دانای حکیم است»

9. «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا شَيْءًا ذَلِكُمْ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (ابراهیم: 18)

مشکینی: وصف حال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند این است که عمل‌های (خیر) آنها مانند خاکستری است که بادی سخت در روزی توفانی بر آن بوزد (و همه را پراکنده سازد) آنها به چیزی

از آنچه کسب کرده اند دست نمی یابند (نه بر نتایج دنیوی و نه بر اثرات نفسانی و نه به پاداش‌های اخروی)، این است همان گمراهی دور و دراز.

صفارزاده: این است مصداق گمراهی شدید و انحراف از راه حق.

مشکینی برای انعکاس مفهوم حصر و تاکید، «همان» ترجمه کرده، و صفارزاده از واژه «مصداق» کمک گرفته است که به اعتقاد نگارنده معادل درستی بشمار نمی رود. اشکالات وارده: 1. استفاده از واژه عربی «مصداق» 2. درج مطلب اضافی چرا که بعید خود مفهوم «شدید بودن» را می‌رساند. ترجمه پیشنهادی: «...این همان گمراهی شدید است»

10. «... لُتْرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (سراء: 1)

مشکینی: .. تا برخی از نشانه‌های (توحید و قدرت و حکمت) خود را به او نشان دهیم. البته او (خدا) است که (به گفتار بنده خود و ساکنان ملاً اعلی) شنوا و (به حال همه آنان) بیناست صفارزاده: تا برخی از نشانه‌های قدرت آفریدگاری خویش را به او نشان دهیم. همانا خداوند آن شنوای بیناست.

در این آیه ضمیر فصل «هو» مفید حصر و تاکید است، تا بفهماند تنها خدا دارای حقیقت علم به مسموعات و مبصرات است و علمش ذاتی است و غیر از او هیچ کس چنین نیست. (الفیومی، 1347: 184) آیه بالا مشابه آیه 56 سوره مبارکه غافر است آقای مشکینی با قید «که» و صفارزاده در هردو آیه با لفظ «آن» ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «همانا خداوند، تنها شنونده بینا است.»

11. «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج: 6)

مشکینی: این (طرز خلقت انسان و نبات) بدان سبب است که خداوند حق و ثابت است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و او بر هر چیزی تواناست.

صفارزاده: [ذکر این نمونه‌ها، خلقت انسان و رویش گیاهان پس از خشکی و مردگی زمین برای اینست که] بدانید وعده‌ی خداوند که مبدأ حق است، حق است و حقیقت دارد....

جمله «أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ» به خاطر ضمیر فصل «هو» و همچنین به خاطر «ال» که بر سر خبر آمد حصر و تاکید را می‌رساند. (ابوموسی، 1408: 83)

همان طور که ملاحظه می‌شود مشکینی معادلی برای ضمیر فصل نگرفته، و مرحوم صفارزاده ضمیر فصل را در زبان ترجمه لحاظ نکرده است.

اشکالات وارده بر ترجمه عبارت است از: 1. تکرار کلمه حق که به نوعی سبب ناهنجاری در ترجمه شده است 2. درج مطالب اضافی مانند: بدانید، وعده، مبدأ حق 3. عدم لحاظ کردن ترجمه ضمیر فصل 4. در نظر نگرفتن تاکید ناشی از داخل شدن الف و لام بر خبر (حق).

ترجمه پیشنهادی: «این بدان سبب است که تنها خدا حق است»

12. «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حج: 64)

مشکینی: آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (و خود آسمان‌ها و زمین) از آن اوست (چرا که خلقت و حفظ و تدبیر و فانی نمودن آنها تحت اراده تکوینی اوست) و همانا خداوند بی‌نیاز (ذاتی از همه چیز) و شایسته ستایش (به همه کمالات) است.
صفارزاده: مخلوقات آسمانها و زمین همه به ذات اقدسش تعلق دارند و خداوند آن ثروتمند نکو ذات و سخاوتمند است.

صفار زاده لفظ «آن» را برای ترجمه ضمیر برگزیده و اشکال وارد بر ترجمه ایشان اینست که از «غنی» به «ثروتمند نکو ذات» تعبیر نموده و از سویی دیگر «الحمید» را ترجمه نکرده است و نیز نقش تاکیدی آن و لام را لحاظ نموده است.

ترجمه پیشنهادی: «... و براستی خداوند همان بی‌نیاز ستودنی است»

13. «وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (شعراء: 9)

مشکینی: و همانا پروردگار تو غالب و مقتدر (بر انتقام و کیفر) و مهربان است (که مهلت می‌دهد)
صفارزاده: همانا پروردگار تو [ای پیامبر] آن قدرتمند شکست‌ناپذیر رحمتگستر است: [مغلوب کنندگی کافران و ستمگران و پشتیبان و نجات‌دهنده‌ی پیامبران و مؤمنان].

در این آیه شریفه ذکر ضمیر فصل «هو» باعث حصر و تاکید شده اما مرحوم مشکینی معادلی ذکر نکرده است. صفار زاده ضمیر فصل را در این آیه با لفظ «آن» ضمیر را ترجمه کرده است. این آیه با آیات 68، 104، 122، 140، 159، 175 و 191 همین سوره مشابه است که در همه موارد با لفظ «آن» ترجمه شده است.

چنانچه ملاحظه می شود مرحوم صفارزاده از تاکیدات دیگر آیه غفلت ورزیده است. ترجمه پیشنهادی: «براستی پروردگارتو همان خدایی است که نیرومند و مهربان است»

14. «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (تقمان: 26)

مشکینی: آنچه در آسمانها و این زمین است ملک حقیقی خداست (زیرا آفریدن، حفظ، اداره و بالاخره فانی کردن همه در تحت اراده اوست)، حقا خداست که خود بی نیاز و ستوده (در ذات و صفات و افعال) است.

صفارزاده: از آن خداوند است آنچه در آسمانها و زمین است، همانا خداوند آن بی همتا توانگر ستوده ذات است.

در این آیه مشکینی ضمیر فصل را با «خود» ترجمه کرده، صفارزاده معادل «آن بی همتا» را برای ترجمه ضمیر در نظر گرفته است.

ترجمه پیشنهادی: «بدرستی خداوند همان بی نیاز ستودنی است.»

15. «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (سبأ: 6)

مشکینی: و کسانی که به آنها دانش (دین و کتاب آسمانی) داده شده ، دیده و دانند که آنچه بر تو نازل شد از سوی پروردگارت فرود آمده حق است و به سوی راه خدای مقتدر ستوده هدایت می کند.

صفارزاده: کسانی که به آنها علم دین عنایت فرموده شده می دانند آنچه که از سوی آفریدگار پروردگارت بر تو [ای پیامبر] نازل فرموده شده حق مطلق است و انسان را به راه آن بی همتا مقتدر آفریدگار به معروف هدایت می کند.

در این آیه ضمیر فصل «هو» بین فعل اول فعل «یَری» یعنی جمله «الَّذِي أُنزِلَ...» و مفعول دوم آن یعنی «الحَقُّ» واقع شده است. در این آیه ضمیر فصل «هو»، «ال» «الحق» برای تاکید حقانیت قرآن یعنی قرآن به راستی حق است که به هیچ وجه باطل در آن راه ندارد و جای هیچ شک و تردیدی هم در آن نیست. ضمیر فصل افاده تاکید می‌کند. (طنطاوی، ج 11، ص 269؛ گنابادی، 1408، ج 3، ص 260؛ شریف لاهیجی، 1373، ج 3، ص 670)

در ترجمه‌های مورد بررسی ترجمه مشکینی برای ضمیر فصل تعبیری عنوان نکرده اما در ترجمه صفارزاده با لفظ «مطلق» ضمیر فصل را به زبان ترجمه منتقل شده است. ترجمه پیشنهادی: «وکسانی که از دانش بهره یافته اند بی‌گمان می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است.»

16. «... وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ» (فاطر: 10)

مشکینی: ... کسانی که بدی‌ها را به نیرنگ انجام می‌دهند آنها را عذابی است سخت، نیرنگشان تباہ و بی‌اثر است.

صفارزاده: ... کسانی که مکراندیشی می‌کنند برای آنها عذابی شدید خواهد بود و مکر و حيله‌گری آنها به قدرت الهی محو و نابود می‌شود.

همان گونه که مشاهد می‌شود مترجمان این حصر ناشی از ضمیر فصل را نادیده گرفته‌اند. ترجمه پیشنهادی: «... و بی‌تردید نیرنگشان نابود شدنی است»

17. «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا...» (فاطر: 31)

مشکینی: و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق محض است، در حالی که تصدیق کننده است آنچه را که پیش از آن بوده (از کتاب‌های آسمانی و شرایع الهی)، همانا خداوند به بندگانش آگاه و بیناست.

صفارزاده: [ای پیامبر] و آنچه از قرآن بر تو نازل فرمودیم از نهایت درستی و حق برخوردار است. چنانکه ملاحظه می‌شود مترجمان در ترجمه ضمیر فصل به ترتیب از واژه «محض» و «نهایت» استفاده

نموده و از سوی دیگر درج مطلب اضافی در ترجمه صفار دیده می‌شود واژه‌های: «برخوردار، از.» «استفاده اشاره کرد و همچنین عطف «حق» بر «درستی»، زاید به نظر می‌رسد.

ترجمه پیشنهادی: «...و آنچه از کتاب به تو وحی کرده ایم همان حق است...»

18. «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (صافات: 60)

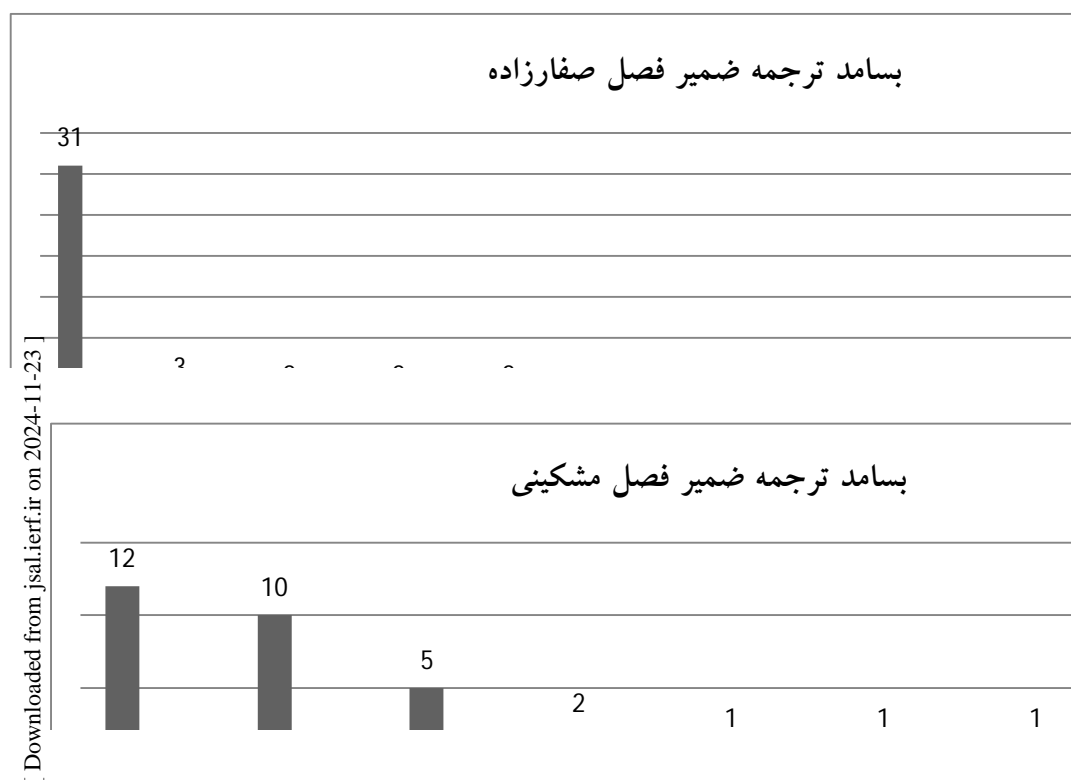
مشکینی: (آری) یقیناً که این همان کامیابی و رستگاری بزرگ است.
صفار زاده: «توفیق این نعمت که به ما داده‌اند بسیار ارزشمند و بزرگ است.
«إِنَّ» حروف مشبیه بالفعل و «هذا» اسم آن و «هو» ضمیر فصل که «لام» مزحلقة بر سر آن آمده و «الفوز» خبر «إِنَّ» است. (درویش، 1418: 273) ضمیر فصل «هو» در این آیه مفید تاکید است.
با توجه به توضیحاتی که ذکر گردید مترجم در ترجمه چنین آیه‌ای باید تاکید را به نحو ممکن به زبان ترجمه منتقل سازد. مشینی با لفظ «همان» و صفارزاده با لفظ «بسیار» که قید برای صفت «ارزشمند» است، ضمیر را ترجمه کرده است.
ترجمه مرحوم صفارزاده اشکالات متعددی دارد: 1. هیچ یک از تاکیدات موجود در آیه ترجمه نشده و همین مساله سبب نارسایی در زبان مقصد شده است. 2. وی به اشتباه العظیم را به بسیار ترجمه نموده شده است. 3. ترجمه ایشان از آیه مذکور از نظر کمی و کیفی هیچ گونه تناسبی با آیه ندارد.
ترجمه پیشنهادی: «...بی تردید این خود، همان پیروزی بزرگ است»

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته پیرامون «ضمیر فصل» در ترجمه‌های صفارزاده و مشکینی، می‌توان چنین اظهار داشت:

- با توجه به برخی از ترجمه‌های انجام نشده از ضمیر فصل، توسط این دو مترجم، می‌توان به این نکته اشاره کرد که آن‌ها از ساختارهای زبانی و برابری مناسب در زبان مقصد و ارائه ترجمه دقیق و رسا استفاده کرده‌اند.

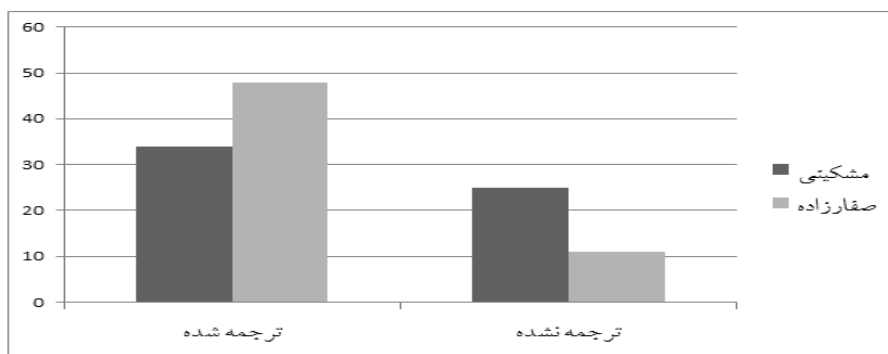
- مترجمان (صفارزاده، مشکینی) به ترتیب، برای انتقال معنا و مفهوم ضمیر از واژه‌های مختلف و دقیقی، همچون: «آن، همان» و «خود، که، همان» بهره گرفته‌اند، که واژه «آن» در ترجمه صفارزاده، و واژه‌های «که، همان» در ترجمه مشکینی بالاترین کاربرد را دارا می‌باشند.



- نکته‌ی دیگر اینکه مترجمان در ترجمه‌ی ضمیر فصل در آیات مشابه بر بکارگیری روشی واحد و یکسانی اهتمام داشته‌اند و هرکدام روشی مناسب با سلیقه‌ی خود، و به عبارتی از ترجمه‌ی آزاد و تفسیری استفاده کرده‌اند با این تفاوت که بیشترین افزروه متنی را آقای مشکینی آورده‌اند و آقای صفارزاده مطالب تفسیری خود را داخل پرانتز قرار می‌دهند که گاهی سبب روان شدن درک مطلب و گاهی سبب دشواری فهم متن می‌شود.

- این مترجمان بیش از 30% ضمیر فصل را در ترجمه‌های خویش آورده‌اند و کمتر از 20% از ضمیر فصل را ترجمه نکرده‌اند، که از این میان موارد ترجمه نشده از ضمیر فصل توسط مشکینی بیشتر از صفارزاده است.

- بسامد ضمیر فصل ترجمه شده و ترجمه نشده:



منابع و مأخذ

*قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا) التحرير و التنوير، بی‌چا، بی‌جا.
- ابن هشام الأنصاری، (2005) مغنی اللیبیب عن کتب الأعراب، مصر: دار الطلائع.
- ابو موسی، محمد، (بی تا) خصایص التراکیب دراسه تحلیلیه لمائل علم المعانی، الطبعة الثانية، دار التضامن.
- ابوالفتوح، محمد حسین، (1995) اسلوب توكید فی القرآن الکریم، الطبعة الاولى، مکتبه لبنان.
- الأنباری النحوی، کمال الدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد سعید، (1403) البیان فی غریب إعراب القرآن، تحقیق: طه عبدالحمید، الطبعة الثانية، قم: انتشارات الهجره.
- انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن، (1367ش) دستور زبان فارسی 1، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فاطمی.
- ألوسی، سید محمود، (1415) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الجرجانی، عبد القاهر، (1992)، دلائل الإعجاز، تحقیق محمود محمد شاکر، ط3، القاهرة: مطبعة المدنی.
- حسن، عباس، (1426) النحو الوافی، الطبعة الثامنة، قم: انتشارات ناصر خسرو.
- الحسینی الهمدانی، سید محمد حسین، (1391) انوار درخشان در تفسیر قرآن، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بی‌چا، تهران: انتشارات کتابفروشی لطفی.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح، (1404) آیات الأحکام (جرجانی)، چاپ اول، تهران: انتشارات نوید.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (1363) تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران: انتشارات میقات.
- حقی بروسوی اسماعیل، (بی تا) تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- حمدان، محمد موسی، (1422) مسائل الخلاف بین النحویون و البصریون فی ضوء النظر البلاغی، الطبعة الأولى، قاهره: مکتبه وهبه.
- درویش، محیی الدین، (1415) اعراب القرآن و بیانه، چاپ چهارم، سوریه: دارالارشاد.
- الدسوقی، محمد بن احمد عرفه الدسوقی، (1955) حاشیه الدسوقی علی مختصر الامام سعد الدین مسعود بن عمر بن عبدالله التفتازانی، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دعاس حمیدان، قاسم، (1425) اعراب القرآن الکریم، چاپ اول، دمشق: دار المنیر / دارالفارابی.
- رجایی، محمد خلیل رجایی، (1372) معالم البلاغه در علم (معانی، بیان و بدیع).

- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (1406) الجدید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- السبکی، بهاء الدین ابی حامد احمد علی عبد الکافی، (2001) عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح، تحقیق: خلیل ابراهیم خلیل، الطبعة الاولى، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین، (1992) همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع، تحقیق: عبد العال سالم و عبد السلام محمد هارون، بیروت: مؤسسه الرساله.
- شریعت، محمد جواد، (1372) دستور زبان فارسی، چاپ ششم، انتشارات اساطیر، بی جا.
- شرف لاهیجی، محمد بن علی، (1373) تفسیر شریف لاهیجی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر داد.
- شوکانی، محمد بن علی، (1414) فتح القدیر، چاپ اول، بیروت: دار ابن کثیر / دار الکلم الطیب.
- الشیخون، محمود السید، (1984) من اسرار البلاغه فی القرآن، الطبعة الاولى، قاهره: مکتبه کلیات الازهریه صافی، محمود بن عبد الرحیم، (1418) الجدول فی اعراب القرآن، چاپ چهارم، بیروت: دار الرشید مؤسسة الإیمان.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (1417) تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (1377) تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- الطبرسی، (1372) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طنطاوی، سید محمد، (بی تا) التفسیر الوسیط للقرآن الکریم..
- عباس، فضل حسن، (2004) البلاغه فنونها و افنانها علم المعانی، عمان: دار الفرقان للطباعة و النشر و التوزیع.
- عتیق، عبدالعزیز، (بی تا) علم المعانی و البیان و البدیع، الطبعة الأولى، بیروت: دارالنهضة العربیه للطباعة و النشر.
- العکبری، عبدالله ابی البقاء، (1987) التبیان فی اعراب القرآن، تحقیق: علی محمد البیجاوی، الطبعة الثانیة، بیروت: دار الجیل.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

Abbas, F., (2006), *"Rhetoric, their techniques and their knowledge of meanings"*, Oman: Dar al-Furqan for printing, publishing and distribution.

Abu al-Futuh, M., (1995) *"The style of emphasis on the Holy Qur'an"*, 1th edition, Lebanese school.

Abu Musa, M., (1987) *"Characteristics of combinations in the study of analysis of the meanings of the science of meanings"*, 2th edition, Dar al-Tazamon.

Al-Akbari, A., (1987), *"Al-Tibyan Fi Al-Arab Al-Quran"*, Research: Ali Mohammad Al-Bijawi, 2th edition, Beirut: Dar Al-Jail.

Al-Anbari Al-Nahwi, K., (1982), *"Al-Bayan Fi Gharib Arab Arab Al-Quran"*, Research: Taha Abdul Hamid, 2th edition, Qom: Al-Hijra Publications,

Al-Dusuqi, M., (1955), *"Al-Dusuqi's margin on Imam al-Mukhtasar Sa'd al-Din Mas'ud ibn Umar ibn Abdullah al-Taftazani"*, 2th edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabiya.

Al-Fayoumi, A., (1929), *"Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Sharh Al-Kabir"*, 1th edition, Cairo: Muhammad Ali School.

Al-Husseini Al-Hamdani, S., (2012), *"Anwar Derakhshan in Quran Interpretation"*, Research: Mohammad Baqer Behboodi, Tehran: Lotfi Bookstore Publications.

Al-Jorjani, A., (1992), *"Evidences of Miracles"*, Research: Mahmoud Muhammad Shakir, 3th edition, Cairo: Civil Press.

Alousi, S., (1994), *"The Spirit of the Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an"*, 1th edition, Beirut: Dar Al-Kutob Al-Ulama.

Investigating the translation and structural equivalent of Fasl pronoun (Independent pronoun) in the translations of the Holy Quran, Case study of Saffarzadeh and Meshkini translations

Al-Sobky, B., (2001), *"The Wedding Bride in Explanation of Summarizing Al-Muftah"*, Verification: Khalil Abraham Khalil, 1th edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Ilmiyya.

Alusi, S. (1994) *"The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an"*, 1th edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya,.

Anvari, H., (1988), *"Persian Grammar"*, 4th edition, Tehran: Fatemi Publications.

Atiq, Abdul Azir, (No date), *"The Science of Meanings, Expression and Innovation"*, 1th edition, Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya for Printing and Publishing.

Catford, J.C. (1965). *"A Linguistic Theory of Translation"*. London: Oxford University Press.

Darwish, M., (1994), *"The Arabs of the Qur'an and the Statement"*, 4th edition, Syria: Dar al-Arshad,

Duas Hamidan, Q., (2004), *"The Arabs of the Holy Quran"*, 1th edition, Damascus: Dar al-Munir / Dar al-Farabi.

Farrokhzad, P., (1999), *"Encyclopedia of Cultural Women of Iran and the World (Women from Inscription to History)"*, 1th edition, Tehran: Zaryab Publications.

Fat'hi Dehkordi, S., Merati, K., (2018). "Evaluating and Criticizing some Translations of Part 30 of Holy Quran from the Literal, Rhetoric and Syntactic Viewpoints". *Journal of Language Teaching, Literature & Linguistics*, (ISSN: 2645-3428), Vol. 1 (2), pp. 105-131. DOI: [10.22034/jltll.v1i2.22](https://doi.org/10.22034/jltll.v1i2.22)

Gonabadi, S., (1987), *"Interpretation of the expression of happiness in the authorities of worship"*, 2th edition, Beirut: Scientific Foundation for Press, An overview of the life of Tahereh Saffarzadeh, Tahereh from the beginning to the end, *Zamaneh*, No. 105 and 106.

Hamdan, M., (2001), *"Issues of Contradiction between the Texts and the Visuals in the Expression of Rhetorical View"*, 1th edition, Cairo: School of Wahba.

Haqi Brusoi Ismail, (No date), *"Tafsir Ruh al-Bayyan"*, Beirut: Dar al-Fikr,

Hassan, A., (2005) *"Al-Wahi syntax"*, 3th edition, Nasser Khosrow Publications.

Hosseini Jorjani, S., (1983) *"Ayat al-Ahkam (Jorjani)"*, 1th edition, Tehran: Navid Publications.

Hosseini Shah Abdul Azimi, H., (1984), *"Tafsir Asna Ashri"*, 1th edition, Tehran: Miqat Publications.

- Ibn Ashur, M., (No date) *"Tahrir and Enlightenment"*, Bija,
- Ibn Hisham Al-Ansari, (2005) Mughni al-Labib on the books of the Arabs, Egypt: Dar al-Tala'i.
- Kazem, I., (1998), *"Al-Nahwi Al-Kufi"*, 1th edition, Beirut: World of Books, Publishing and Distribution.
- Mazhari M., (1991), *"Tafsir Al-Mazhari"*, Pakistan: Rushdie School of Golam Nabi Tunesi.
- Mostafavi, H., (2001), *"Tafsir Roshan"*, 1th edition, Tehran: Ketab Publishing Center.
- Mousavi Sabzevari, S., (1988) *"The gifts of the Most Merciful in the interpretation of the Qur'an"*, 2th edition, Beirut: Ahl al-Bayt (AS) Institute.
- Mughniyeh, M., (No date), *"Tafsir Al-Mubin"*, Qom: Ba'ath Foundation.
- Najafi Khomeini, M., (2019) *"Easy Interpretation"*, 1th edition, Tehran: Islamic Publications.
- Nakhjavani, N., (1999), *"The Divine Conquests and the Unseen Keys"*, 1th edition, Egypt: Dar Rakabi Publishing House.
- Nida, E. A. and Charles R. Taber. (1982). *"The Theory and Practice of Translation"*. Leiden: E.J. Brill
- Qaraati, M., (2004) *"Tafsir Noor"*, 11th edition, Tehran: Cultural Center for Lessons from the Quran.
- Qurashi, S., (1998), *"Tafsir Ahsan Al-Hadith"*, 3th edition, Tehran: Ba'ath Foundation.
- Rajaei, M., (1993), *"Ma'alem al-Balaghah in science (meanings, expression and novelty)"*. Tehran.
- Sabzwari Najafi, M., (1985), *"The New Interpretation of the Holy Quran"* 1th edition, Beirut: Dar Al-Ta'rif for publications.
- Safi, M., (1997), *"Al-Jadval fi Erab Al-Qur'an"*, 4th edition, Beirut: Dar al-Rasheed Al-Iman Foundation, Damascus.
- Sauti, J., (1992), *"Hurma al-Hawas' in explaining the collection of mosques"*, investigation by: Abd al-Aal Salem and Abd al-Salam Muhammad Harun, Beirut: The Risalah Foundation.
- Shariat, M., (1993), *"Persian grammar"*, 6th edition, Asatir Publications.
- Sharif Lahiji, M., (1994), *"Tafsir Sharif Lahiji"*, 1th edition, Tehran: Dad Publications.
- Sheikhun, M., (1984), *"From the Secrets of Rhetoric in the Qur'an"*, 1th edition, Cairo.
- Shokani, M., (1993), *"Fath al-Qadir"*, 1th edition, Beirut: Dar Ibn Kathir / Dar al-Kalam al-Tayyib.

Investigating the translation and structural equivalent of Fasl pronoun (Independent pronoun) in the translations of the Holy Quran, Case study of Saffarzadeh and Meshkini translations

Tabarsi, F., (1993), "*Majma 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran*", 3th edition, Tehran: Nasser Khosrow Publications,

Tabarsi, F., (1998), "*Interpretation of Comprehensive Societies*", 1th edition, Tehran: University of Tehran Press and Qom Seminary Management.

Tabatabai, S., (1996), "*Tafsir al-Mizan*", 5th edition, Qom: Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Association.

Tantawi, Sayyid Muhammad, (No date). "*Altafsir Alwasit Lilquran Alkarim*".